



مظفر محمدی

گارد آزادی قدرت مردم را تکمیل و پیروزی را تضمین میکند

مصاحبه تلویزیون پرتو با مظفر محمدی

پرتو: فعالیتهای اخیر گارد آزادی را در شهرهای کردستان چگونه توضیح میدهید؟

مظفر محمدی: گارد آزادی میخواهد نشان دهد که مردم قدرت دارند، میتوانند نیروی مسلح خود را داشته باشند، میتوانند ضامن آزادی و عدالت و انسانیت باشند در شهرهای خود. در این دوره ما شاهد فعالیتهای دیگر گارد آزادی علاوه بر حضور مسلحانه بوده ایم در شهرهای مختلف در رابطه با شوراها، اسلامی در رابطه با سفر احمدی نژاد، در رابطه با مسئله گرانی و احتکار، علیه اختناق و غیره

ادامه در ص ۳ و ۴

در صفحات دیگر
دو خبر از پیرانشهر و
مهلباد

فراخوان پیوستن به گارد
آزادی
لیست کمک های مالی به
کمیته کردستان

اکتبر پنجشنبه ها منتشر
میشود

اکتبر را تکثیر و توزیع کنید.

سندج و مهلباد شاهد حضور قدرتمند گارد آزادی بود



بخشی از آنان خود را به قله کوه رسانده و اکثریت آنها تا هر کجا توانستند راهپیمایی کرده و به شهر برمیگردند. همزمان با این موج حرکت از شهر به طرف کوه و زمانی که گروههایی که زودتر خود را به قله کوه رسانده و به پایین سرازیر بودند با واحد مسلح گارد آزادی روبرو میشوند. واحد مسلح گارد از دامنه کوه مسلحانه به این گروهها پیوست و دسته دسته با آنها ملاقات کرد.

باز هم حضور یافت. مردم برخی از محلات شهر شاهد حضور باشکوه این واحد بودند. درفاصله تنها هروز پس از حضور واحد گارد آزادی در محلات میدان استقلال مهلباد، و ۲ روز بعد از عملیات گارد آزادی در آیدر سندج، در ساعت ۸ روزیکشنبه واحد ۱۰۲ در محله ی ارمنیان

و رفاقت، تلاش و فعالیت مشترک، کار و فداکاریهای زیادی را داشتیم. آشنایی ما به اوایل قیام ایران و شروع اعتراضات علیه رژیم سلطنتی بر میگشت. در آن دوران هر دو خود را سوسیالیست میدانستیم و مثل هزاران انسان دیگر علیه فقر و بی عدالتی به میدان آمده بودیم. برای یک لحظه کل تاریخ مشترکمان از زمان آشنایی تا فعالیت مشترکمان، همگی در یک نگاه از کنار گذشتند، از قیام مردم ایران علیه رژیم شاه و تلاش ما به عنوان سوسیالیستهای جوان در آن دوران، تا پیوستنمان به سازمان پیکار، شرکت در تشکیل جمعیت دفاع از زحمتکشان در شهر سقر، تا راهپیمایی مردم از سقر به میوان، تا سر زدن به مراکز کارگری شهر سقر و دفاع از اعتصابات کارگری در آن زمان، تا

ادامه در ص ۴

حضور واحد ۲۰۴ گارد آزادی در آیدر سندج

جمعه ۶ بهمن ۸۵ از ساعت اولیه صبح واحد ۲۰۴ گارد آزادی در میان جوانان و مردمی که به طرف آیدر در حرکت بودند، و یا از قله های آیدر پایین میآمدند، حضور یافتند.

روزهای جمعه از ساعات اولیه صبح هزاران جوان دختر و پسر و زنان و مردان شهر به طرف آیدر حرکت میکنند.

گارد آزادی باز هم در مهلباد

حضور واحد ۱۰۲ گارد آزادی برای
نومین بار در یک هفته

روز یکشنبه ۸ بهمن ۸۵ (۲۸ ژانویه ۰۷) گارد آزادی در مهلباد در میان مردم

به یاد رفیق عزیزم محمد صالح زاری خالد حاج محمدی

روز شنبه ۷ بهمن کارگران و مردم سقر شاهد مرگ عزیزی بودند که سالیان سال در دفاع از انسانیت تلاش کرده بود. محمد صالح زاری مشهور به مامه صالح، ساعت ۵ و نیم صبح بر اثر تصادف ماشین در ۱۳ کیلومتری سقر به طرف سندج، قلبش از تیش افتاد و برای همیشه ما را ترک کرد.

خبر کوتاه بود، صدایی که انگار از ته دره میاد به من اطلاع داد که "خبری بد برایت دارم، رفیق عزیزت مامه متاسفانه جانش را از دست داد". انگار با پتکی به کله ام زده بودند و برای چند لحظه تنها توانستم سکوت کنم. رفیق عزیزم جان باخته است و دیگر برای همیشه با ما وداع کرده است. با مامه صالح تاریخ طولانی دوستی



اسد گلچینی

در تدارک ۸ مارس
پیش بسوی سازماندهی اعتراض
اجتماعی و رادیکال چپ جامعه

۸ مارس روز جهانی زن در ایران و برای جنبش برابری طلبی آن مساوی با مبارزه رادیکال و آزادی بدون قید و شرط زنان در جامعه و در همه شئون آن است. مبارزه تاکتونی زنان در ایران و تعرض آنها به همه زنجیرها و شئون اسلامی و ارتجاعی هیچ راهی برای ممانعت و کوتاه آمدن این جنبش از مبارزه برای نگرگون کردن این اوضاع باقی نگذاشته است. این مبارزه نه تنها دست حکومت اسلامی را همواره تلاش کرده است کوتاه کند، بلکه هر جریان و شخصیت سیاسی دیگری را که در صدد به بیراهه بردن آن بر آمده است را حاشیه ای و یابی ربط به این مبارزه کرده است.

۸ مارس روز جهانی زن در ایران و از بدو تولد رژیم اسلامی به روز اعلام مبارزه و حق طلبی زنان و انسانهای آزادیخواه تبدیل شده است. مبارزه بی امان بر علیه تبعیض و موقعیت درجه دوم زنان در جامعه و بر علیه قوانین اسلامی و فرهنگ ارتجاعی، بخشی از فعالیت همیشگی جنبش زنان بوده است. در ۲۷ سال گذشته جنبش رهایی زنان از این جهنم موجود، خاموش نشده است. تمام تار و پود جامعه را در بر گرفته است و در کنار مبارزه کارگران و جوانان برای زندگی برابر و انسانی قرار گرفته دارد. ۸ مارس امسال نیز در ادامه این وضعیت بر زنان باید به روزی

ادامه گارد آزادی در سندانج

در حالیکه اعضای گارد به پخش بروشور و اعلامیه های مربوط به گارد آزادی مشغول بودند، فرمانده واحد برای جوانان حرف میزد و آنها را تشویق به مبارزه پیگیر و متحد علیه اختناق جمهوری اسلامی و پیوستن به گارد آزادی میکرد. جوانان با شور و شتاب تمام به سخنان وی گوش میدادند و بروشورها را گرفته و گروه گروه با هم میخواندند. جوانان زیادی همتا میخواستند که اسمشان را در گارد بنویسند. اعضای واحد گارد آنها را راهنمایی کرده و از آنان خواستند هر ۴-۵ نفر واحدهای گارد را تشکیل داده و از طریق آدرسهای مندرج در بروشورها تماس بگیرند.

سپس واحد گارد در میان استقبال پرشور جوانان به حضور خود پایان دادند. جوانی میگوید، گروه ما در آخرین لحظات و با سرعت از بالا به پایین میامدیم و خود را به واحد مسلح گارد آزادی رساندیم به محض مشاهده حضور واحد گارد این مسابقه در میان گروههای زیاد جوانان از پایین به بالا و از بالا به پایین شروع شده بود. گروههای جوانان پس از حضور واحد گارد آزادی وقتی بهم میرسیدند

میرسیدند نکند شما هم واحد گارد هستید و در کوله پشتیتان اسلحه دارید. قاطی شدن واحد گارد در میان گروههای گسترده جوانان و کوهنوردان این تصور را بوجود آورده بود که هر گروه، گروه بعدی را واحد گارد میدانست. اینکار جسورانه واحد ۲۰۴ گارد آزادی و حضور در میان جوانان در ساعات اولیه روز هم اکنون مورد بحث و گفتگوی مردم شهر است. ما ضمن تبریک به رفقای واحد ۲۰۴ گارد آزادی برای بردن شور و شوق و امید به میان جوانان شهرشان، از همه جوانان و مردمی که از واحد مسلح خودشان استقبال کردند و به همکاریشان پرداختند، قدردانی میکنیم

کمیته کردستان حزب حکمتیست
فرماندهی گارد آزادی
۶ بهمن ۸۵ (۲۶ ژانویه ۲۰۰۷)

ادامه گارد آزادی در مهاباد

(کوچه های: اسحاقی، مستانی، بلوریان، صابونی، نعلبندی، پنجوی، کابانی، شیخ بابا، مسجد حاجی سید حسن) از قدیمیترین محلات مهاباد که بین خیابانهای جمهوری اسلامی، صلاح الدین ایوبی شرقی، جام جم، سرباز واقع شده است، حضور یافته و بامردم به گفتگو پرداختند. این حضور سبب ایجاد شور و نشاط در میان مردم محله، جوانان و عابران گردید. صدها برگ اطلاعیه گارد آزادی، منشور سرنگونی جمهوری اسلامی، اطلاعیه حضور گارد آزادی در آیین سندانج و میدان استقلال مهاباد در بین مردم توزیع گردید، نکته ی

پیرانشهر

نو جوان ۱۶ ساله، هیمن رضایی به وسیله نیروهای اطلاعات دستگیر شد
هیمن رضایی ۱۶ ساله به دلیل روشن کردن آتش در تاریخ ۲ بهمن ماه سال ۸۵ از سوی مامورین امنیتی دستگیر می شود و سپس با ضرب و شتم از وی اعترافات کثیفی دریافت می کنند که با احزاب سیاسی

جالب در این میان اظهار نگرانی مردم از باخبر شدن نیروهای رژیم بود که به رفاقت توصیه میکردند برای جلوگیری از درگیر شدن زودتر محل را ترک کنند.

کمیته کردستان حزب و فرماندهی گارد آزادی به رفقای واحد ۱۰۲ گارد آزادی درود میفرستد و جوانان و مردم مبارز را به پیوستن به گارد آزادی فرا میخواند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست
فرماندهی گارد آزادی
۱۰ بهمن ۸۵
۳۰ ژانویه ۰۷

همکاری کرده است. وی پس از ضرب و شتم به مدت ۳ روز در بازداشت مامورین وزارت اطلاعات پیرانشهر بوده است و سپس به اداره اطلاعات ارومیه منتقل می شود. بنا بر گفته وی در حین بازی با دوستانش به دلیل نا مشخص بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

و یا روز کودک و یا هر اعتراض اجتماعی دیگری ما حکمتیستها مدافع و فعال این چنین حرکتی در این روزها میباشیم.
در سالهای اخیر "اصلاح طلبی" اسلامی و ملی، تلاش کرده است افق و آرمانهایش را بر جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان وارد کند. بر آن سایه بیندازد و از محتوا خالی کند. این جنبش با شکست بستر اصلی دوم خردادی و خاتمی شروع شد و با عبادی و همراهانش ادامه یافت. کار جنبش رادیکال و چپ در جامعه رها کردن جنبش زنان از این باز مانده های ارتجاع اسلامی و ملی هم هست. جنبش زنان بدون تخفیف و بدون امتیاز به مذهب و ملی گرایی و قومی گری، در هر قدم و آکسیون و فعالیت، و با پرچم انسانی و آزادیخواهانه برابری طلبی زن و مرد در همه شئون جامعه و در تقابل با ارتجاع مرد سالاری میتواند گام مهمی بردارد و این بر عهده همه شخصیت ها و سازمانها و تشکل هایی است که خود را متعلق به ۸ مارس و مبارزه این روز برای آزادی زنان میدانند.

agolchini@yahoo.com

این جنبش مبنای مشترک است و اگر این شعار ها را کل چپ جامعه برای ۸ مارس در گلو دارد پس ممکن است که آن را یکی کرد. ما از این زاویه به ۸ مارس و فعالیت سازمان یافته در متحد کردن اعتراض آن تلاش میکنیم دست های فعالین و شخصیت های این جنبش رادیکال را به هم نیگر وصل کنیم چنانچه از این زاویه به ۸ مارس و مبارزه ای که در پیش دارد نگرینست میتوان صف گسترده و اجتماعی را در برابر ارتجاع زن سنیز قرار داد و جنبش آزادیخواهی زنان را آنچنان تقویت کرد که شروعی برای به کرسی نشاندن یک به یک مطالباتش باشد.

از نظر ما روز ۸ مارس نمیتواند و نباید به زیر هیچ بخشی از جنبش اسلامی و ملی و قومی برده شود. اینها خود در تضاد با منافع و مبارزه تاکنونی زنان بوده اند. همچنین روز ۸ مارس را نباید به روز شعار و پرچم های سازمانی و احزاب تبدیل کرد و بر آن تفرقه و پراکنگی بیشتر را تحمیل کرد. روز ۸ مارس میتواند به جای همه اینها روز اعتراض اجتماعی و رادیکال چپ جامعه برابری طلب باشد. مانند روز کارگر

برگزاری مراسم ها و تجمع های ۸ مارس حلقه ای بسیار مهم در مبارزه زنان و مردان مبارز و رادیکال در جامعه است. چنانچه مبارزه و تغییر در این موقعیت تحمیلی اجتماعی هدف بلافاصله قرار بگیرد این جنبش میتواند گام مهمی به جلو بردارد.

ما فراخوان و فعالیتیمان برای این روز و در ۸ مارس، این است که نیروی چپ و رادیکال جامعه به میدان بیاید. در هر شهر و مکانی، برای به میدان آوردن همه زنان و مردان آزادیخواه در اعتراضات سازمان یافته ۸ مارس بکوشیم و این روز را به روز اعتراض اجتماعی به موقعیت کنونی بر زنان تبدیل کنیم. به این معنی و خارج از اینکه هر جریان و تشکل و شخصیت و سازمان رادیکال و سوسیالیستی چه اهدافی برای خود دارد، میتواند روز زن را به روزی برای مبارزه مشترک با اهداف رسا کردن صدا بر علیه تبعیض جنسی بر زنان و بر علیه خشونت، اختناق، بر علیه حجاب و برای آزادی پوشش تبدیل کنیم. خفقان سیاه و سرکوب وحشیانه بر زنان جنبش عظیم اعتراضی را در مقابل خود دارد. اگر اهداف عمومی

برای کیفر خواست بر علیه همه تبعیضات، مردسالاری و هر گونه ستم بر زنان باشد. تدارک هر چه گسترده تر و اجتماعی مبارزه زنان و مردان آزادیخواه در این روز، و در هر جا و مکانی که ممکن شد از کارخانه و دانشگاه تا تشکل ها، انجمن ها، محافل و ... در هر شهری، میتواند نقطه شروع اساسی برای پس زدن این موقعیت و راندن رژیم اسلامی همراه سرکوبگران و مرتجعین ستم گر بر زن در جامعه باشد.

۸ مارس و سازماندهی اعتراض اجتماعی به موقعیت زنان، بویژه در شرایط کنونی که جامعه بیش از همیشه با سرکوب و اختناق بر کار و زندگی آنان سایه شوم و نکبت بارش را پهن کرده است، برای همه فعالین برابری طلب و سوسیالیست از اهمیت صد چندان بر خوردار است. در شرایطی که به برکت حکومت اسلامی جامعه با فاجعه های جنگی و فلاکت بیشتر محرومان جامعه، و اختناق بیشتر، و قومی گری روبرو است، ۸ مارس میتواند ندای آزادیخواهی و برابری طلبی انسانی باشد. سازماندهی و شرکت فعال در

ادامه گارد آزادی و قدرت مردم.

فعالیت‌های تبلیغی کرده اند و الزاما مسلحانه نبوده، نشریه پخش کرده اند و اعلامیه به دست مردم رسانده اند. در میان مردم بوده اند و در مبارزات مردم شریک بوده اند. بدون اینکه اسلحه داشته باشند و وقتی که اسلحه دارند يك شکل دیگری از قدرت مردم را نشان میدهند و به مردم میگویند که اینهم راه دیگری برای ابراز وجود قدرتمندشان است. پرتو: آیا تجلی ابراز قدرت مردم را در مسلح بودنشان میتوان دید؟

مظفر محمدی: مسئله اساسی برای ما اینست که مردم متشکل و متحد شوند. کارگران در شوراها و سندیکاهایشان، مردم در نهادهای صنفی و نهادهای مدنی و اجتماعی شان متشکل شوند. زنان و جوانان و فرهنگیان متشکل و متحد شوند. اینها اشکال ابراز وجود قدرتمند مردم اند. منتهی در شرایطی که ما در آن زندگی میکنیم در ایران و در سطح بین المللی و منطقه هم، مساله آمادگی مسلحانه مردم حیاتی شده است. ما با يك رژیم تا دندان مسلح روبرو هستیم که تتها راه اینکه مردم را به خانه بفرستد به زور نیروی مسلح و نظامی و پلیس مخفی و پاسدار و بسیج و کلاه کج و غیره اش است. این از يك طرف از طرف دیگر نیروهای راست جامعه منتظر حمله نظامی آمریکا هستند. باز پای مسئله نظامی و اسلحه در میان است. همچنین ناسیونالیستهای رنگارنگ کرد و ترك و ... مسلح شده اند و یا دارند میشوند و سهم خود را میخواهند. در چنین شرایطی تنها ابراز وجود متحد و متشکل بصورت سندیکا و شورا و نهاد صنفی و ... جواب نمیدهد و عهده دار نیست. اینها نمیتوانند از خود دفاع کنند. يك شکل دیگر از اتحاد مردم و يك نوع تشکل دیگر لازم است و ان هم نیروی مسلح خودشان است. باید

جواب نیروی مسلح را با نیروی مسلح داد. نمیشود با تظاهرات رفت به جنگ تانک و توپ و یا حمله نظامی آمریکا و یا حمله فاشیستهای قومی و فدرالیستها. این شکل مبارزه قدرت مردم را تکمیل و پیروزی مردم را تضمین میکند. پرتو: شما به سفر احمدی نژاد و انتخابات شوراها و اسلامی اشاره کردید، و فعالیت‌های گارد آزادی در این رابطه؛ این دو چه ارتباطی به هم دارند؟ در حالیکه قبلا در رابطه با جمع آوری آنتنها و غیره پای گارد آزادی به میان آمده است.

مظفر محمدی: گارد آزادی در وهله اول يك نیروی مسلح است و بازوی مسلح مردم است. منتهی ما همیشه گفته ایم این بازوی مسلح مردم، يك نیروی جدا از مردم، ایزوله، مریخی یا يك نیروی حرفه ای که در پانگان و یا اردوگاه نشسته، نیست. این نیرویی است که دائما در حال جنگ با جمهوری اسلامی است. دائما در حال عکس العمل نشان دادن است علیه اختناق، علیه فلاکت و هر چیزی در این زمینه. بنابراین اینها جوانان و فعالین سیاسی و کارگران و زحمتکشان محبوب در میان مردم اند و با مردم زندگی میکنند. بنابراین هر اتفاقی در آن جامعه بیافتد اینها جزو پیشروان مردم هستند و به استقبالش میروند، جوابش را میدهند و توجه مردم را جلب میکنند. وقتی احمدی نژاد به کردستان سفر میکند گارد آزادی نه الزاما مسلحانه، میروند و به مردم میگویند که سفر این آدم مورد استقبال ما نیست و به او خوشامد نمیگوییم همانطوریکه در خیلی جاهای دیگر هم به او خوش آمد نگفتند.

پرتو: در تماسهایی که با ما گرفته میشود توقعاتی مطرح میشود برای مثال میگویند چرا گارد آزادی فروشندگان مواد مخدر و یا همکاران منور رژیم را

تنبیه و مجازات نمیکند؟ مظفر محمدی: حتما گارد آزادی سراغ اینها خواهد رفت. اما اجازه بدهید باز یادآوری کنم که موضوع مبارزه گارد آزادی همان موضوعی است که حزب ما دارد علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری. بنابراین عجیب است با آنچه که مردم میخواهند. مردم آزادی میخواهند، حرمت انسانی میخواهند، حقوق زن و کودک و برابری زن و مرد را میخواهند، رفاه میخواهند، کارگر میخواهد که حقوقش به تعویق نیافتد، افزایش دستمزد میخواهد، لغو قراردادهای موقت را میخواهد و خیلی چیزهای دیگر...

اینها موضوعات حزب و طبعاً موضوع مبارزه گارد آزادی هم هستند. علاوه بر این گارد آزادی در مقاطعی ممکن است برود سراغ به فرض مواد مخدر فروشی که در شهر و محله منور است. میروند و گوشش را میگیرند و به مردم نشان میدهند و میگویند تمام کن این جنایتکاریها را. تا وقتی که ما اینجاییم تو نمیتوانی بچه های مردم را به اعتیاد بکشی...

میروند سراغ سرمایه دار گردن کلفتی که به بهانه تحریم و محاصره اقتصادی نان سفره مردم و خوارو بار و مواد غذایی را احتکار کرده است و میگوید درب انبارت را باز کن و به مردم میگوید بیایید سهمتان را بردارید. پس فردا میخواهند زندانی سیاسی را مجازات کنند، زنی را میخواهند سنگسار کنند یا کسی را شلاق بزنند، گارد آزادی در این موارد اخطار میکند و حتی اگر لازم باشد دخالت میکند و تلاش میکند جلو این وقایع را بگیرد.

اینها روشهای مختلفی است منتهی بستگی دارد به موقعیت و شرایط معین و توازن قوای معین. زمانی که لازم بشود، واحدهای گارد این تعرض را

شروع میکنند.

پرتو: هفته گذشته در کردستان از طرف تعدادی از نهادهای و شخصیت‌های ناسیونالیست کرد روزه سیاسی اعلام شد. اما انطور که آنها میخواستند پیش نرفت و سرانجام نهادهای بنام حقوق بشر کرد گفته که حزب حکمتیست با این حرکت آنها مخالفت کرده و مدعی اند که به گارد آزادی تهدید شده اند. قضیه از چه قرار است؟ مظفر محمدی: ما قبل از اینکه این روزها برسد و وقتی که به اصطلاح روزه سیاسی اعلام کردند، گفتیم که این نمیگیرد. و این جواب نمیدهد. نه خاطر اینکه مردم نمیخواهند علیه جمهوری اسلامی اعتصاب کنند، نمیخواهند مبارزه و تظاهرات کنند و به خیابانها بیایند. بلکه به این خاطر که اولاً ناسیونالیستها حالا دیگر اعتبار چندانی ندارند. در بحرانی گیر کرده اند در نتیجه سیاست نادرستی که خود را به آمریکا آویزان کردند. این مورد تفر مردم است. يك وقتی مردم را معطل و متوهم کردند که آمریکا میاید و دموکراسی میاورد و ما نجات پیدا میکنیم و جمهوری اسلامی میروند و ما خود به حکومت خواهیم رسید. آمریکا نتوانست بیاید و اگر میامد که ما بارها و بارها گفته ایم وضعی پیش میامد بنتر از امروز عراق. علاوه بر آن آمریکا در عراق گیر افتاده و سیاستش شکست خورده است. این شکست شکست ناسیونالیستهای فارس و ترك و کرد و عرب و غیره هم هست. بنابراین ناسیونالیسم کرد دیگر حرفش نمیگیرد. اینها باید بروند و فکری به حال سیاست و افق شکست خورده شان بکنند. حتی به خاطر کارهایی که کرده اند باید از مردم معذرت خواهی کنند. حالا آمده اند و وانمود میکنند که سخنگو و مدافع حقوق مردم اند!

کمک های مالی به کمیته کردستان ;

مهلباد
بیژن باوزاده بدست نیروهای رژیم کشته شد
۷ بهمن ۸۵
درمهلباد جوانی بنام بیژن باوزاده درمحله ی ۲۲ بهمن (منطقه ی اصلی سکونت جاشهای منگور) طی درگیری با نیروهای رژیم در اثر انفجار نارنجک بقتل رسیده است. نیروهای رژیم مانند همیشه بعد از هر جنایتی به اعمال فاشیستی دست زده و از تحویل جنازه بیژن به خانواده اش خود داری میکنند.

۵۰۰ کرون
۵۰۰ کرون
۵۰ کرون
۳۰ کرون
۵۰ کرون
۱۰۰ کرون
۷۰ کرون
۶۰ کرون
۲۰ کرون
۵۰ کرون
۵۰ کرون
۳۰ کرون

شیبو
بش
آ.م
ثریا
کیان
آباجی
عزت
عش
ش
اوین
لاله
فریبا

۱۰۰۰ کرون
جمع اوری کمک مالی توسط ر. جمال پیر خضرائیان
۷۵۰ کرون برای گارد آزادی
۲۵۰ کرون
۸۶۰ کرون

آقای جلود
جمع اوری کمک مالی توسط ر. جمال پیر خضرائیان
۷۵۰ کرون برای گارد آزادی
رفقای استکهلم
جمع اوری توسط آباجی
که ریز افلام بترتیب زیر است
علی. ع. ۱۰۰ کرون
بریا ۱۰۰ کرون
ابوبکر ۵۰ کرون

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

پرتو: با توجه این این صحبتها آیا به این معاست که گارد آزادی پیشرفتهای زیادی کرده و این الگویی است که مورد توجه قرار گرفته است؟

مظفر محمدی: قطعاً پیشرفتهایی شده است اما مطلقاً ما راضی نیستیم گارد آزادی را نمیشود الگویی نامید که باید تجربه کرد و اگر نشد کنار گذاشت. این يك راه حل است. تنها راه حل است. تنها ضامن پیروزی و پیشرفت مردم است. بنابراین باید سریعاً توده ای شود. ما انتظار داریم گارد آزادی سریعاً توده ای شود و مردم در محلات و در محل کار و زندگیشان

مسلح شوند. فعالین سیاسی و اجتماعی و رهبران مردم و کسانی که محبوب هستند در میان مردم آن را تبلیغ کنند. حتی وقتی دستشان به اسلحه هم نمیرسد مهم نیست. مثلاً در شهرهای خارج کردستان مثلاً تهران و قزوین و آبادان و غیره کسانی که واقعا به ضرورت و اهمیت گارد آزادی پی برده اند و در این مورد مثل ما فکر میکنند میتوانند واحدهای گارد را تشکیل دهند و آماده باشند تا وقتی دستشان به اسلحه میرسد. باید هر چه سریعتر این شیوه مبارزه و این شیوه قدرتمند ابراز وجود مردم تکثیر شود و توده ای شود والا خطر بیخ گوش ماست. خطر حمله نظامی آمریکا و خطر سناریوی سیاه و تحرکات قومپرستانه و غیره.

آگاهانه است؟

مظفر محمدی: ما هیچوقت منتظر نبوده و نیستیم که اتفاقی بیافتد یا ناسیونالیستها تحرکاتی انجام بدهند و ما ابراز وجود کنیم تا از قافله عقب نمانیم.

حضور و ابراز وجود گارد آزادی در شهرها حضوری مستمر است. هر وقت آماده باشد و لازم شد برنامه ریزی میکند و می رود کارش را انجام میدهد. صرف نظر از اینکه ناسیونالیستها کاری میکنند یا نکنند. کاش آنها هیچ کاری نمیکردند چون هر کاری کرده اند آیش به اسباب جمهوری اسلامی و یا آمریکا رفته و دوش به چشم مردم. فعالیتهای گارد آزادی نه تنها فعالیت و ابراز وجود مسلحانه بلکه فعالیتهای سیاسی شان در میان مردم جزو دامن و مستمر و پیگیر مبارزه حزب حکمتیست نه تنها در کردستان بلکه در سرتاسر ایران است. گفتم اینجا فقط نیروی مسلح نیستند بلکه دامن در میان مردم هستند. و دائماً تکثیر میشوند. اگر اینطور نباشد تکثیر نمیشوند. اگر يك عده آدم ایزوله در خانه و محله و خانه تیمی باشند هرگز تکثیر نمیشوند. اگر هر جوان و کارگر و زحمتکش عضو گارد آزادی پانزده بیست نفر دوست در میان جوانان و همکلاسی دانشگاه و مدرسه و هم محله ای و... نداشته باشد باید از خودش بپرسد چرا؟ حتماً ایرادی در کار است. گارد آزادی باید تکثیر شود و به ارتش توده ای مردم تبدیل گردد.

میدانستیم و به طور روشن و صریح هم اعلام کردیم در مورد تهدید از طریق گارد هم يك ادعای از سر همین استیصال و شکست است. ما گفته ایم گارد آزادی برای چه تشکیل شده است. گفتیم و همه میدانند که هدف گارد، تامین آزادی و حقوق انسان و حرمت انسان و حقوق کودک و تضمین پیروزیهای مبارزه مردم است.

چیزی به نام سازمان حقوق بشر کردستان به خودی خود ایرادی ندارد. مشکل ما و مخالفت ما با این تحرکات به این دلیل است که جزیی از کل تحرکات ناسیونالیستی و قوم پرستانه است. همین سازمان حقوق بشر مدتی پیش گفته که دارند ترکیب جمعیتی و نژادی را در شهرسندج تغییر میدهند. این ادعایی قومپرستانه است. این دامن زدن به کینه قومی و فراهم کردن زمینه نسل کشی است. فردا روز و یا در رفرانوم این آقایان باید هر غیر کردی را سر برید یا بیرون انداخت تا جامعه کردزبانها با نژادهای دیگر آلوده نشود. این فاشیسم است. وقتی به اینها میگوئیم این سیاستها فاشیستی است دانشان بلند میشود که چرا اتهام میزنید. خوندان قضاوت کنید!

پرتو: همزمانی فعالیتهای گسترده و پشت سر هم گارد آزادی با این تحولاتی که شما گفتید بخصوص شکست افق ناسیونالیسم کرد، و یا تحریکات اخیرشان تصادفی است یا اقداماتی

ما اعلام روزه سیاسی و به بهانه روزی به نام روز ملی را نپذیرفتیم. همانطوریکه مورد استقبال مردم هم قرار نگرفت. این سنتهای مذهبی و ناسیونالیستی هستند که مردم با آن بیگانه اند. مردم اشکال و روشهای مبارزاتی خود را دارند. اعتصابات کلگری، اجتماعات زنان و کارگران و جوانان به مناسبتهای مختلف و برای آزادی و برابری، اعتصاب عمومی که سال قبل به از طرف کومله فراخوان داده شد و ما پشتیبانی کردیم و موفق شد. ... این مبارزات دایما در جریان بوده است و میبینید که نه به روزه سیاسی و نه روز ملی ربط دارند.

اکثریت مردم کردستان کارگر و زحمتکش اند، از زن خانه دار تا جوانان و بیکاران کنار خیابان از اینها بررسی روز ملی شما کدام است نمیدانند و برایشان هم معنی ندارد. یا میگویند روز من روزی است که کارگر به قدرت برسد، انقلاب کارگری بشود. مسئله من ربطی به تاریخ مهیاباد ندارد، مشکل من مربوطه به کارگر نوب آهن و نفت و حتی اتحادیه های کارگری در کشورهای پیشرفته است که باید بداد من برسند. به این دلایل ما گفتیم فراخوان روزه سیاسی نمیگیرد و نگرفت. شکست این فراخوان در نتیجه شکست سیاست ناسیونالیستی در ایران، کردستان و منطقه است. این شکست حتمی بود و ما گفتیم ما از اول این را

ادامه به یاد رفیق صالح

پیوستن من به تشکیلات علنی پیکار و ماندن او در شهر، تا دوران کشتارهای سال ۶۰ و دستگیری بخشی از عزیزترین رفقای مشترکمان و اعدام تعدادی از آنها، تا سالهای سال دیگر که از هم مطلع و دوستی و صمیمیت ما حفظ شده بود.

دوران دستگیری او را همراه تعداد زیادی از فعالین پیکار و سازمانهای چپ را در سالهای ۶۰ و ۶۱ را به خاطر دارم آن زمان به جرم فعالیت کمونیستی و از جمله بودن با تشکیلات سازمان پیکار دستگیر شد. حدود ۳ سال در زندان ماند و متحمل فشارها و شکنجه های زیادی شد. یکی از چشمهایش زیر شکنجه لطمه جدی دید و تمام اینها نتوانست او را به تمکین و تسلیم وادارد. کل این خاطرات تا آزادی او از زندان و ادامه فشارهای هر روزه و محدودیتهایی که برایش گذاشته بودند

تا کار پیدا کردن در سازمان آب سقر و کمک به کارگران خباز و کار حسابداری شرکت تعاونی مصرف کارگران و پیامهای نلسوزانه اش و دوستی و رفاقت ما و هزاران خاطره تلخ و شیرین، همگی چون پرده ای از جلو چشمانم رد شدند.

صالح زارعی سیمای دوست داشتنی، سوسیالیست و انسان دوست و یار و یاور کارگران و ستمدیدگان بود. دوران زندگی او با تمام مشکلاتی که تحمل کرد، پر از تلاش در دفاع از مردم و حقوق آنها بود. او انسانی آزادیخواه بود که تمام مشقاتی که به او تحمیل کردند، نتوانست انسان دوستی و برابری طلبی را در او بکشد. همیشه مورد اعتماد مردم و رازدار مشکلات و مسائل آنها بود. او سوسیالیستی بود که در زندگی روزانه خود، در تلاشش در دفاع از حقوق مردم، در کمکش به اتحاد آنها و

همچنان در اهتزاز است. تلاش برای رهایی و آزادی، تلاش برای زندگی مرفه و انسانی، امروز از تهران و مراسمهای ۱۶ آذر، تا اعتراضات کارگران و تلاش زنان و مراسمهای ۸ مارس و اعتراضات هر روزه کارگران و مردم، تا هزاران تلاش و امید در میان نسل جوانی که به چیزی کمتر از رفتن جمهوری اسلامی قانع نیست در اهتزاز است. به همت این تلاش جمهوری اسلامی را خواهیم انداخت و در روز رفتن آن پرچم نفاق از انسانیت را به یاد همگی جانبختگان راه آزادی و برابری به اهتزاز در خواهیم آورد و به احترام به تمام این عزیزان سر تسلیم فرود خواهیم آورد. یاد و خاطره رفیق عزیزم مامه صالح در دل هزاران تلاشگر تشنه برابری همیشه زنده خواهد بود.

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

husienzade_r@yahoo.com

Tel:0046739855837